

This is a Persian translation of  
L'ordre du jour  
by Michel Foucault  
Gallimard Paris 1971  
Translated by Gabor Farman

Foucault, Michel. 1977. 1978. 1979. 1980. 1981. 1982. 1983. 1984. 1985. 1986. 1987. 1988. 1989. 1990. 1991. 1992. 1993. 1994. 1995. 1996. 1997. 1998. 1999. 2000. 2001. 2002. 2003. 2004. 2005. 2006. 2007. 2008. 2009. 2010. 2011. 2012. 2013. 2014. 2015. 2016. 2017. 2018. 2019. 2020. 2021. 2022. 2023. 2024. 2025.

میشل فوکو

نظم گفتار

درس افتتاحی در کِلژ دو فرانس

دوم دسامبر ۱۹۷۰

ترجمه‌ی

باقر پرهام



www.garbpoosh.com  
۱۳۹۷

## مقدمه مترجم

روز ۲ دسامبر ۱۹۷۰، کارتیه لاتن<sup>۱</sup>، در پاریس، چهره‌ای استثنایی داشت: چندصد متر دورتر از سوربن<sup>۲</sup>، در سالن آمفی‌تئاتر بزرگ کلژ دو فرانس<sup>۳</sup>، که از مراکز علمی بزرگ جهان و مایه افتخار فرانسه است، صدها نفر<sup>۴</sup>

---

۱. (Quartier latin)، نام بخشی از پاریس واقع در ساحل چپ رود سن (Seine) که بولوآر سن‌میشل (Saint-Michel) و دانشگاه پاریس (La Sorbonne) در مرکز آن قرار دارند.

۲. کلژ سوربن (Collège de Sorbon) در قرن سیزدهم (۱۲۵۷ میلادی) تأسیس گردیده، بعدها به سوربن (La Sorbonne) یا دانشکده‌الاهیات پاریس و سرانجام به دانشگاه فعلی تبدیل شده است که علاوه بر دانشکده‌های ادبیات و علوم مرکز اداری آکادمی پاریس نیز هست.

۳. (Collège de France)، مؤسسه‌ای که در عهد فرانسوای اول، پادشاه فرانسه، در ۱۵۳۰ میلادی تأسیس شده است.

۴. از جمله کسانی چون ژرژ دومزیل (G. Dumézil)، کلود له‌وی-استروس (C. Lévi-Strauss)، فرناند برودل (F. Braudel)، فرانسوا ژاکوب (F. Jacob) و ژیل دولوز (G. Deleuze).

جمع شده بودند تا به سخنان مردی گوش دهد که در که در ۴۴ سالگی به جانشینی یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین استادان فلسفه در فرانسه، در قرن بیستم، یعنی ژان هیپولیت<sup>۱</sup>، برگزیده شده بود. مرد ۴۴ ساله پشت میز خطابه، که درس افتتاحی<sup>۲</sup> اش در کلمه دوفرانس آن جمعیت انبوه را در آن روز گرد هم آورده بود، کسی جز میشل فوکو نبود، و آنچه وی در آن روز خطاب به حضار آن مجلس بیان کرد مضمون همین کتاب کوچک ولی بسیار پراهمیتی است که در دست مطالعه دارید. استثنایی بودن چهره آن روز کارتیبه لاتن نیز، اگرچه به ظاهر ربطی به فوکو نداشت، در حقیقت، به شخصیت وی و به ویژگی‌های اوضاع فرانسه در آن سال‌ها بی‌ارتباط هم نبود.

پایان دهه ۱۹۶۰ و آغاز دهه ۱۹۷۰ از سال‌های پرتب‌وتاب در فرانسه بود: موج اعتصاب‌های، نخست، دانشجویی و سپس کارگری و عمومی، که فرانسه را تا آستانه انقلاب پیش برد، به استعفای ژنرال دوگل از ریاست دولت، و، سرانجام، به تغییراتی مهم در جامعه فرانسه، به‌ویژه در سطوح فرهنگی و دانشگاهی، انجامید، هنوز به کلی آرام نگرفته بود. در گوشه و کنار پاریس، به‌ویژه در اطراف مراکز فرهنگی و دانشگاهی (در ونسن<sup>۳</sup>، نانترا<sup>۴</sup>، بولوار سن میشل و کارتیبه لاتن)، اغلب تظاهرات و گردهم‌آیی‌های اعتراض‌آمیزی برپا می‌شد که در آن‌ها، علاوه بر دانشجویان، چهره‌های سرشناسی از استادان و روشن‌فکران رده بالای فرانسه

1. Jean Hyppolite  
3. Vincennes

2. Cours inaugural  
4. Nanterre

هم دیده می‌شدند. سخنران روز ۲ دسامبر ۱۹۷۰ در آمفی‌تئاتر کلمه دوفرانس یکی از همین استادان و روشن‌فکران به‌نام فرانسه بود که در اغلب تظاهرات اعتراض‌آمیز آن سال‌ها حضور فعال داشت. برای همین بود که کارتیبه لاتن در آن روز ۲ دسامبر ۱۹۷۰ چهره جایی را داشت که گویی حکومت نظامی در آن اعلام شده است: همه کسانی که برای شنیدن سخنان میشل فوکو راهی محل سخنرانی او بودند مجبور شدند بارها از سد مأموران پلیس و کماندوهای کلاه‌خودبه‌سر و چماق‌به‌دست CRS، که اغلب گذرها و کوچه‌های محله را بند آورده بودند، بگذرند<sup>۱</sup>.

آشنایی ایرانیان با نام و گوشه‌ای از اندیشه‌های میشل فوکو، تا آن‌جا که من به خاطر دارم، به پیش از انقلاب برمی‌گردد: در آخرین روزهای نظام سلطنتی، در گرماگرم مبارزات مردم ما بر ضد استبداد آن نظام، میشل فوکو به ایران آمد. نگارنده این سطور، که آن روزها سرگرم فعالیت در کانون نویسندگان ایران بود، مصاحبه کوتاهی با وی انجام داد که ترجمه‌اش در شماره اول نامه کانون نویسندگان ایران، بهار ۱۳۵۷، منتشر شد. از آن زمان تا امروز که فوکو، به‌دنبال معروفیت‌اش در کشور خویش و شهرت جهانی‌اش به‌ویژه در امریکا، برای اهل فرهنگ در ایران به نامی بسیار آشنا تبدیل شده است، از هزاران صفحه‌ای که او در طول زندگانی کوتاه

1. Didier Eribon, Michel Foucault, *Champs-Flammarion*, Paris, 1991, P. 225.

ولی بسیار پر بار خویش نوشته، هنوز چیز دندان‌گیری به زبان فارسی منتشر نشده است. اخیراً به آگهی ترجمه برخی از نوشته‌های او در مطبوعات ایران برخورده‌ام، از جمله نوشته کوتاهی با عنوان این که پپ نیست، و یا یکی از کتاب‌های مهم او با عنوان مراقبت و تنبیه.

اما، اگرچه آثار فوکو به فارسی ترجمه نشده، شهرت او در ایران در زیر عنوان مبحث یا مفهوم دیسکور (به انگلیسی: دیسکورس) غوغایی به پا کرده است: کار به جایی رسیده که گویی میشل فوکو کاشف چیزی به نام دیسکور است. و از آن‌جا که هر کشف تازه‌ای نام و عنوان تازه‌ای هم می‌خواهد، بعضی از هم‌وطنان ما به این فکر افتاده‌اند که واژه تازه‌سازگفتمان را برای این کشف جدید علم کنند. ولی آیا به‌راستی چنین است؟ آیا میشل فوکو چیزی به نام دیسکور کشف کرده است؟ حقیقت این است که میشل فوکو فیلسوف یا تحلیل‌گر فلسفی مفهوم دانش (Savoir) و ساختارهای دانشی، و سرانجام کارکردهای اجتماعی قدرت است، نه کاشف چیزی به نام دیسکور؛ او در تحلیل مرفولوژیک دانش، به وجود قالب‌های معرفتی بنیادین به نام اپیستمه (épistémé) در هر دوره زمانی، و گسست‌هایی که در روند معرفت بر اثر تغییر این قالب‌ها پیش می‌آید، پی می‌برد. میشل فوکو، برای این منظور، از چند مبحث یا زمینه، برای پژوهش‌های خود استفاده کرده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: زبان، علوم طبیعی، و اقتصاد. بررسی میشل فوکو در این زمینه‌ها او را، چنان‌که

گفتیم، به نتیجه واحدی در باب چگونگی تغییر روش برخورد و نگاه آدمی به مسائل در ادوار تاریخی متفاوت رهنمون می‌شود. به عنوان مثال، فوکو با بررسی در زمینه‌های هنری و زبانی از یک‌سو، و پیشرفت علوم طبیعی و اقتصاد مدرن، از سوی دیگر، در نخستین کتاب مهم خویش پس از رساله معروف تاریخ جنون در عصر کلاسیک، یعنی در کتاب واژه‌ها و چیزها (۱۹۶۵)، نشان می‌دهد که بشریت اروپایی از مفهوم نشانه (signe) به عنوان رمزی از جهان و اشیاء در قرن شانزدهم، که بر ادراک مفهوم جادویی قرابت و همانندی ذاتی در اشیاء مبتنی بود، به مفهومی قراردادی از نشانه در عصر کلاسیک می‌رسد، قراردادی که در قالب مفاهیمی دیگر چون سازمان، در علوم طبیعی، و پول، مبادله، ارزش، و کار، در اقتصاد، در همان عصر کلاسیک همراه است. و فوکو از این‌جا نتیجه می‌گیرد که در هر فرهنگی، در زمانه معین، همیشه یک اپیستمه یا بنیان معرفتی وجود دارد که شرایط امکان هرگونه دانش را تعیین می‌کند<sup>۱</sup>. ضرورت تعیین‌کنندگی و اجباری که در این اپیستمه‌ها وجود دارد فوکو را به مفهوم قدرت (Pouvoir) و کارکردهای اجتماعی آن رهنمون می‌شود، و او با بررسی مرفولوژی قوالب، تقسیم‌بندی‌ها، و محدودیت‌ها، در زمینه‌های پژوهشی معینی چون زبان، پزشکی و روش‌های برخورد با بیماری‌های روانی و مداوای آن‌ها، شیوه‌های مراقبت و مجازات

1. Michel Foucault, *Les mots et les choses*, Gallimard, Paris, 1965, P. 7279.